

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

روابط عمومی جهانی و بحران سنت دموکراسی

وضعیت کنونی و عملکردهای در شرف تکوین
چگونگی هسته‌گذاری گروه‌بندی‌ها

تراکم و سرهم انباشتن ریسک‌های مالی - اقتصادی
عوامل و فاکتورهای رکود سیاسی - اجتماعی
موجودیت خطر بحران‌های احتمالی
تداوم بحث در مورد وضعیت کنونی

در مبحث حاضر قبل از طرح مسایل و موضوعات آکادمیک،
که در بخش‌های آتی از آن تذکراتی بعمل خواهد آمد، کاوش و
جستجوی راه‌حل‌های صلح‌آمیز ختم منازعه کنونی در کشور
عزیز ما، از جمله یکی هم گفتگو و اصل مذاکره با مخالفان
مسلح محسوب گردیده تا با استفاده از آن در مسیر دستیابی به
اهداف مورد نظر موفقیت‌هایی را نصیب گردید.

مسئله متذکره، عمده‌ترین موضوع مورد بحث حلقه‌های سیاسی را بویژه در طول مدت زمان آخرین دهه حیات کشور تشکیل
می‌دهد. سعی و تلاش دولت‌ها و حکومت‌های کشورهای خارجی، طی زمان یادشده، بمنظور فراهم‌آوری امکانات گفتگوها
و انجام مذاکرات با "طالب"ها در امر ختم آبرومندان و صلحجویانه قضایای کنونی در کشور، بیش از هر زمان دیگر قابل توجه
بوده و درخور اهمیت پنداشته می‌شود. اما با حفظ همه تلاش‌ها و با وجود سایر کوشش‌ها، "طالب"ها تا کنون هم از ملاقات
و گفتگوهای مستقیم و رو در رو با نماینده‌های دولت قانونی افغانستان امتناع می‌ورزند. با وجود آنهمه، چندی قبل، رهبری
حاکمیت سیاسی کشور، اصل تدویر لویه جرگه را در دستور کارش قرار داد، رویدادی که حاکمیت کنونی کشور، بگونه رسمی
برنامه‌های ملاقات و گفتگوهای مستقیم با شورشیان را با آن مرتبط دانسته و بمتناهی ضرورت وضع کنونی محسوب می‌نمود.
انتظار برده می‌شد که مدت زمان کار جرگه یادشده، چهار روز ادامه یابد. همچنان رئیس‌جمهور کشور اظهار داشت که کار
جرگه یادشده به مدت یک و نیم ماه قبل از تدویر انتخابات ریاست جمهوری، آغاز خواهد گردید.

قابل یاددانه‌ی پنداشته می‌شود که بتاريخ ۴ ماه مارچ سال روان، مذاکرات و گفتگوها میان "طالب"ها و هیأت امریکایی
در دوحه سازماندهی گردیده بود که طرف‌های شرکت‌کننده اما در مورد مسایل مورد بحث، به موافقه و تفاهمی نرسیده و بنا
بر این از نشر اعلامیه مشترکی نیز سخنی در میان نبود.

این دومین دور مذاکرات بدون نتیجه به پایان رسید و روند قبلی گفتگوها نیز طی ختم ماه جنوری در قطر پایان پذیرفت.
سپس، نماینده خاص ایالات متحده در مورد دستیابی به توافق اولیه که مطابق آن در عوض خروج نظامیان خارجی از اراضی
متعلق با افغانستان، تضمین عدم استفاده تروریست‌های مانند "داعش" و "انصر" از سرزمین افغانستان بمنظور ترتیب و
تنظیم فعالیت‌ها و برنامه‌هایشان علیه منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش صورت گرفت، یادآوری بعمل آورد.
متذکر باید گردید که مخالفان مسلح کشور، بر حدود نیمی از قلمرو کشور، بویژه مناطق دهاتی و زراعتی کشور، تسلط و

نظارت داشته و همچنان بر شهرهای بزرگ نیز حملاتی را انجام می دهند. اما همه باین واقعیت معترفند که بمنظور تنظیم و راه اندازی مذاکرات مستقیم و رو در روی حاکمیت کنونی سیاسی کشور با نماینده های "طالب" ها، همکاری و تفاهم مشترک میان مسکو و واشنگتن باید در دستور کار قرار داده شود. موضوع متذکره، طی ملاقات و گفتگوهای وزیر امور خارجه روسیه با معاون رئیس جمهور و وزیر امور خارجه قطر، طی نشر اعلامیه مشترک مطبوعاتی، بگونه گسترده ای انعکاس یافت. با در نظر داشت جوهر فعالیت ها و تلاش های کنونی در عرصه یادشده، این بسیار مفید خواهد بود تا اصل رقابت بگونه صوری و تصنعی نبوده، بلکه با شراکت مستقیم و هماهنگی تلاش ها در مورد یادشده به عملکردهای مشخص و معنا داری باید متوجه سل گردید، چه با همکاری مشترک کشورهای روسیه و ایالات متحده و یاری و معاونت سایر کشورها و دولت ها، امر از قوه بفعال مبدل گردیدن و موفقیت دیالوگ بین الافغانی، تحقق خواهد پذیرفت.

کابل، امیدوار تأمین و برقراری صلح سراسری در کشور بوده و اما هراس از انجام فعالیت ها و اقدامات تروریستی بجای خودش باقیست. باشندها و اهالی کشور از تکوین وضعیتی که منجر بهرج و مرج گردد، در اضطراب بسر می برند. در کابل، بویژه بدلیل مذاکرات آغاز شده در قطر آنها میان ایالات متحده و "طالب" ها، عصبانیت اندکی بنظر می رسد و طرف های متذکره نیز ناگزیر به تداوم مذاکرات با سرعت بیشتری شدند.

در مذاکرات دوحه میان طرف های یادشده، در مورد خروج قوت های امریکایی، آتش بس و تضمین امنیت در افغانستان، شور و بحث هایی بعمل آمد.

"طالب" ها و مقامات رسمی ایالات متحده، مذاکرات و ملاقات هایی را بمنظور ختم جنگ ۱۷ ساله پس از توقف دو روزه، بروز شنبه از سر گرفتند.

مذاکرات گفته آمده، نشاندهنده تلاش های تب آلود همراه با عجله ایالات متحده از سال پار بدینسو محسوب می گردد. در این دور مذاکرات، ملا عبدالغنی برادر بمتابه رئیس جدید تیم مذاکره کننده "طالب" ها به گفتگوهای یادشده پیوست. نامبرده برای نخستین بار با رئیس تیم امریکایی مذاکره کننده، ملاقات نمود.

از آن زمان بعد، دونفر یادشده و اعضای هیأت های طرف های مربوطه، مدت زمان شش روز را بمنظور تهیه و تکمیل چارچوب توافقنامه اختصاص دادند.

سخنگوی "طالب" ها اظهار داشت که برای آنها معضلات دوگانه ای عملن موجود می باشد، از جمله خارج شدن قوت های خارجی از اراضی کشور و بگونه طبیعی برای امریکایی ها نیز مسأله عدم بکارگیری و استفاده از سرزمین افغانستان بمنظور سازماندهی و راه اندازی عملیات علیه ایالات متحده و هم پیمانانش بمتابه مهمترین مسأله محسوب می گردد.

ایالات متحده همچنان خواستار مراعات نمودن آتش بس توسط "طالب" ها می باشد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که اگر در روند کنونی مذاکرات و گفتگوها به نتیجه مطلوبی نایل نگردیم، بنابراین، مذاکرات و گفتگوها را در دور بعدی همچنان تداوم خواهیم بخشید.

در دور کنونی مذاکرات و گفتگوها که پس از وقفه دو روزه، وارد چهارمین روز گردید، گروه های کاری تلاش بعمل آوردند تا معادلات سهل و گزینهای مناسبی برای طرف های شرکت کننده جستجو نمایند.

یکی از جمله موانع عمده موجود بر سر راه، آرزومندی ایالات متحده در مورد ملاقات و گفتگوی "طالب" ها با دولت افغانستان برهبری اشرف غنی می باشد.

غنی، در مورد اینکه نامبرده را از روند مذاکرات حذف نمودند، نا امید می باشد. او را در مورد اظهار داشت. قابل یادآوری می باشد که با وجود تداوم مذاکرات، "طالب" ها بانجام حملات شان در کشور تداوم بخشیدند. آنها طی حمله به پایگاه شورابک واقع در ولایت هلمند، بتعداد ۲۳ تن از نیروهای امنیتی کشور را به شهادت رسانیدند. به مشکل بتوان بگونه قطعی، اوضاع کنونی کشور را تعریف نمود. آیا در اینجا ما شاهد بازتاب توالی مثبتی خواهیم بود و یا برعکس از موجودیت موارد منفی و مشکلات جدیدی سخن خواهیم گفت؟

ایالات متحده و "طالب" ها طی ماه جدی سالروان با اصول یک توافق جهانی در آینده با هم موافقت نمودند. یکی از جمله شرایط مهم کلیدی، ارائه تضمین از جانب "طالب" ها در مورد عدم ورود جنگجویان و اعضا و فعالین سازمان های تروریستی به سرزمین کشور ما که برای ایالات متحده از اهمیت فوق العاده مهمی پنداشته می شد. اما بسیاری از امریکایی ها چنین استدلال ورزیده و بخاطر می آورند که قبل براین نیز "طالب" ها تضمین هایی را در مورد های مختلفی ارائه نموده، اما بآنها پابندی نشان نداده و خلاف تعهدات شان عمل نمودند.

آیا "طالب" ها قادر به قطع علاقه و گسستن ارتباطات شان با "القاعده" خواهند بود؟ همه می دانند که قوت های ناتو، دقیقن بدنال سازمان فوق العاده رادیکال "القاعده" که متهم به سازماندهی و اجرای

حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در ایالات متحده و بدلیل پناه دادن به رهبر سازمان یادشده پنداشته می شدند، به کشورما یورش بردند. اما مراکز و منابع تروریستی در منطقه آسیای مرکزی صرف به "القاعده" مختص نگردیده بلکه ساحه وسیعتری را دربرگرفت. "طالب"ها مبارزه طولانی و درازمدتی را علیه "دولت اسلامی خراسان" تداوم بخشیده و در این میان تلفات و قربانی های بیشماری را نیز متحمل گردیدند، اما نمی شود یک شبه، همه بقایا و پدیده های آنها را از میان برداشت. با آغاز سال ۱۳۷۱، مقاومت و مبارزه "طالب"ها در مقابل ناتو، درنوع خود بانگیزه ای برای سایر گروه های مسلح مبدل گردید. در اراضی متعلق بافغانستان، مطابق آمار و ارقام ارائه شده، بتعداد ۱۸ گروه تروریستی مسلح وارد عمل گردیده اند. "طالب"ها در مجموعه متذکره، بر ۱۴ گروه آن اثرگذار می باشند.

نباید فراموش نمود که بسیاری از تروریست های غیرطالب با استفاده از نام "طالب"ها در مجموعه جنبش مقاومت جمعی درصدد کسب مشروعیت می باشند. در ایالات متحده بسیاری از کارشناسان نظامی از تبدیل شدن افغانستان به محل تهدید های مستقیم علیه ایالات متحده، هند و پاکستان هراس دارند، دغدغه خاطر کشورهای آسیای مرکزی را نیز بآن باید علاوه نمود. در اینمورد قبل از همه باید با در نظر داشت منافع سایرین، به امر سبک و سنگین نمودن وضعیت عمومی کشور باید عطف توجه بعمل آید.

عده ای هم چنین تصویری نمایند که ممکن هند و پاکستان تحت حمله و یورش قرارگیرند. "طالب"ها با وجود آنکه مدت زمان مدیدی از کمک های مادی و تسلیحاتی سازمان استخبارات پاکستان مستفید گردیدند، اما مناسبات میان آندو بدون ابر های بی اعتمادی نبوده و در بعضی از مقطعات زمانی غبار آلود هم می شد. "طالب"ها با گروه های جنگی در تشریک مساعی بمنظور سرنگونی حاکمیت سیاسی پاکستان، همکاری و معاونت می نمودند. میان شبکه "القاعده" و "طالب"ها مناسبات و روابط گسترده ای موجود بود. جنگجویان "القاعده" عملن در میدان های جنگ در کشورما سهم فعالی گرفته و بگونه دوا مداری بر اپارات دولتی پاکستان نیز حملاتی را انجام می دادند. "طالب"های پاکستانی نیز از دیگر دوستان "طالب"های افغانی شمرده می شدند. سازمان جداگانه ای بهمین نام ("طالب"های پاکستان) و شاخه های آن از قبیل "لشکر جنگوی" نیز در افغانستان بصروف جنگ بودند.

درگیری های افغانستان بگونه کلی، بمتابه نوعی از خروج نیروهای ضد دولتی پاکستان از آن کشور محسوب می گردد. بویژه استخبارات پاکستان چنین می پندارد که در هر دو حالت مشارکت یا عدم مشارکت اهالی مناطق قبایلی در درگیری های موجود در افغانستان، به کشور پاکستان آسیب و زبانی نرسیده و در عوض، پاکستان در قلمرو خویش نیز آنها را مورد تعقیب قرار نخواهد داد. اما این واقعیت آویزه گوش زمامداران نظامی و استخباراتی پاکستان باید باشد که اگر "طالب"ها پیروز گردند، توجه نخستین خویش را به پاکستان معطوف خواهند نمود. هند نیز در معرض خطر و ریسک حمله از جانب آنها قرار خواهد گرفت. نگرانی هایی نیز در مورد موجودی می باشد که اگر "طالب"ها در افغانستان به پیروزی دست یابند، "لشکر طیبه" و "جیش محمد" نیز در کشورما برای خویش جای پا سراغ خواهند نمود. عمده ترین هدف گروه های یادشده پاکستانی را، آزادی کشمیر از نظارت هند تشکیل می دهد. اما در وضعیت کنونی آنها بنفع "طالب"ها مبارزه می نمایند که این خود، خطر بزرگ تروریستی را علیه امنیت ملی هند تشکیل می دهد. به نقل از منابع معتبر، استاد و رهنمای عمده آنها استخبارات داخلی پاکستان بشمار آمده که هند را بمتابه دشمن قدیمی و تاریخی می پندارد. اگر "طالب"ها پیروز گردند، افغانستان برای آنها بمتابه خانه و کاشانه شان مبدل خواهد گردید که با استفاده از سرزمین و اراضی کشورما، حملات شان را بر کشمیر هند و در داخل هند سازماندهی و اجرأ نمایند. این حقیقت که تروریست های ضد هندی از اراضی متعلق به کشورما برضد هند حملاتی را سازماندهی و اجرأ نمایند، از جانب پاکستان بمتابه "عذر رسمی" پذیرفته خواهد شد که بنا بر آن در چنین وضعیتی، کشور اخیرالذکر قادر خواهد شد تا خود را از شر آنها برهاند.

در کشور عزیزما افغانستان، از مدت ها قبل، جنگجویان بیشماری از منطقه درکنار اهالی بومی کشور مصروف جنگ و تداوم نبردهای مسلحانه می باشند. آنها از "اتحاد جهاد اسلامی"، "جهاد اسلامی ترکستان شرقی"، شبکه ها و بخش های "داعش" نمایندگی می نمایند که بگونه طبیعی از مفکوره مبارزه و مقابله با ناتو در افغانستان پیروی نموده و از تداوم جهاد در کشورهای خودشان نیز روگردان نمی باشند. اما در شرایط و وضعیت کنونی، گروه های متذکره همه، خرد و خمیر شده اند و اما ممکن "طالب"ها بازسازی گردیده و در پخش و گسترش ساحه فعالیت ها و عملکردهای آنها سعی بعمل آید.

در اینمورد باید از معامی با دوجوهول ناشناخته نیز تذکراتی بعمل آورده و اظهار داشت که اتوریت "طالب"ها در میان آنعده از گروه های غیر "طالبی" که در صفوف "طالب"ها مصروف جنگ می باشند، بهیچوجه بمفهوم از بین رفتن جاه طلبی ها و برنامه های همکاران شان تلقی نمی گردد. اما با تأکید باید یادآور شد که دیرپا زود، زمان آن فرا خواهد رسید که "طالب"ها باین عقیده متقاعد گردند که باید مناسبات و روابط شان را با عده ای از افراد و سازمان های غیر "طالب" قطع نمایند.

گروه‌های غیر "طالب" نیز، مدت زمان ۱۷ سال علیه ناتو به جنگ و مبارزه مسلحانه ادامه داده و در تداوم خشونت‌ها سهم فعال گرفتند. در اوضاع و احوال کنونی، جایزه قابل توجه آنها (پس از پیروزی "طالب"ها)، وسعت بخشیدن ساحه عملکرد، تهیه امکانات بیشتر و سروسامان دادن به ساز و برگ‌هایی بمنظور سازماندهی و اجرای حملات به اراضی پاکستان و هند و اگر خوش شانس باشند، تهیه مقدمات بمنظور انجام عملی اقدامات اینچنینی در جمهوری‌های آسیای میانه. "طالب"ها با ایالات متحده به توافق رسیدند که از سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان، هیچگونه اقدام تروریستی علیه منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش صورت نخواهد گرفت. در عین زمان، گروه‌های شیعه بویژه بمنظور مبارزه علیه "داعش" در کشورما جابجا خواهند شد. گروه‌های یادشده در ایران آموزش دیده و از حمایت‌های سیاسی آن کشور برخوردار خواهند گردید.

اما آیا در ضمن نمی‌توان درک نمود که بلاخره در شرایط کنونی در کشورما چه می‌گذرد؟

اینکه آیا گشودن مسیر و آغاز روندهای جدید، ثمر بخش واقع خواهد گردید یا بمثابة ایجاد و پیدایی گره جدیدی از مشکلات و تهدیدها پنداشته می‌شود؟

فراموش نگردد که در مجموع، لایه‌ها و گروه‌های متفاوتی در میان "طالب"ها موجود می‌باشند. نباید با طرز دید "دیوبندی" و سنت گرایانه عده‌ای از "طالب"ها وارد تعامل و معامله‌های پنهان و آشکار گردید. همچنان نباید فراموش نمود که در میان "طالب"ها، عده‌ای از آنها عملگر محسوب گردیده و طرفدار مذاکره و گفتگو و حل و فصل قضایای موجود از طرق صلح آمیز بوده و اما عده‌ای از آنها نیز معتقد به تداوم مبارزه مسلحانه بمنظور برپایی "امارت اسلامی" می‌باشند.

بتاریخ ۶ ماه مارچ سالروان، سناتورهای امریکایی، لایحه‌ای را بمنظور ختم مأموریت‌های جنگی در کشورما (در مورد جنگ ۲۰ ساله در افغانستان) به کانگرس آن کشور پیشنهاد نمودند که در صورت پذیرش و تصویب، "قانون درمورد برگشت و عودت نظامیان امریکایی، پس از انجام خدمت در افغانستان"، ایالات متحده با اعلام پیروزی در افغانستان و تهیه و تنظیم برنامه خروج نظامیان آن کشور طی مدت ۴۵ روز و فراخواندن همه نظامیان آن کشور از اراضی کشورما طی سال پیشرو را تهیه نماید.

همچنان در سند این مسأله تذکر داده شده است که ابتکار عمل یادشده، اساس حل و فصل سیاسی قضایا توسط خود افغان‌ها را در دستور روز قرار می‌دهد.

مطابق طرح یادشده، تصمیم و فیصله درمورد کاربرد قوای نظامی علیه تروریست‌ها را که طی سال ۲۰۰۱ و پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط کنگره آن کشور به اداره جورج دبلیو بوش تفویض گردیده بود، لغو می‌گردد. فیصله متذکره که بسیاری از قانونگذاران آنرا مورد انتقاد قرا ر می‌دهند، تاکنون هم اداره و اشنگتن با دورزدن کانگرس آن کشور، بمنظور انجام و اجرای فعالیت‌ها و اقدامات نظامی علیه گروه‌های تروریستی، آنرا مورد استفاده ابزاری قرار می‌دهد.

علاوه بر آن، لایحه مرتبه، دولت فدرال را مکلف می‌سازد تا در جریان مدت زمان یک سال، کمک هزینه نقدی مجموعی به مبلغ ۷٫۵ میلیارد دالر برای در حدود ۳ میلیون از نظامیانی که در عملیات‌های جنگی در افغانستان شرکت ورزیده‌اند، تأدیه نماید.

این مسأله سبب خواهد شد تا بگونه فوری از مصارف و هزینه‌های نظامی، در حدود بیشتر از ۸۳ درصد کاسته شود. در کنگرس ایالات متحده، از این مسأله نیز یادآوری بعمل آمد که جنگ دوامدار در افغانستان، سبب تضعیف امنیت ملی در داخل ایالات متحده گردیده و نسل‌های کنونی و آینده جامعه امریکایی با عواقب و پیامدهای آن دست و پنجه نرم خواهند نمود که این خود، تهدیداتی را برای جامعه ببار می‌آورد.

سناتورهای امریکایی علاوه نمودند که حالا زمان آن فرارسیده تا پیروزی خویش را اعلام نموده، نظامیان کشور را به ایالات متحده فراخوانده و قبل از سایر موارد، به مسایل و موضوعات حیاتی در داخل کشور عطف توجه نموده و مقدم بر همه، برفع ضرورت‌های حیاتی امریکایی‌ها مبادرت ورزیم.

زمانی می‌توان به حقانیت گفته‌های یادشده در مجلس سنای ایالات متحده و ادعاهای سناتورهای آن کشور مهر تأیید گذاشت که در عمل شاهد اقدامات عملی دست‌اندرکاران شرکای بین‌المللی جنگ در کشورباشیم و لا غیر.